

نگاهی انتقادی بر فمینیسم اسلامی و ارزیابی میزان گرایش دانشجویان دختر به آن

(مطالعه موردی: دانشجویان دختر مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی یزد)

میشم شفیعی رودپشتی*

حمیدرضا خسروانیان**

چکیده

امروزه هر از چندگاهی بشر مدعی می‌شود جریان‌های جدیدی را با هدف برقراری عدالت در سطوح گوناگون جامعه شناسایی و طراحی کرده است. یکی از این جریان‌های جدید که مدعی دفاع از حقوق زنان، به‌ویژه با ویژگی‌های غربی آن است، به نام «فمینیسم» (feminism) چهره نشان داده است. این پدیده در کشور ما نیز مدتی است با نام «فمینیسم اسلامی» مطرح شده است. این مقاله بر آن است که با نگاهی انتقادی این پدیده را واکاوی کند، و ضمن نقد و بررسی آن، در چهارچوب مطالعه‌ای پیمایشی، به تعیین میزان گرایش به این مکتب در میان دانشجویان دختر مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی استان یزد بپردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دانشجویان دختر مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی یزد از میان ابعاد چهارگانه فمینیسم اسلامی به بعد «تساوی و تشابه حقوق زن و مرد» گرایش دارند و دیدگاه آنان در خصوص سه بعد دیگر منفی است. همچنین، از میان شاخص‌های فرعی فمینیسم اسلامی، شاخص فرعی «مشارکت یک‌سان زن و مرد در تربیت فرزندان» با رتبه میانگین ۵۷۴/۷۴ بیش‌ترین میزان شدت را دارد و شاخص فرعی «مناسب و کافی نبودن فرصت‌های موجود در جامعه برای زنان» با رتبه میانگین ۳۸۳/۴۴ کم‌ترین میزان شدت در میان دانشجویان مذکور است.

* دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس m.shafiee2004@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) khosravani_h@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

کلیدواژه‌ها: فمینیسم، گرایش‌های فمینیستی، فمینیسم اسلامی، حقوق زنان، عدالت جنسیتی، دانشجویان دختر.

۱. مقدمه

فمینیسم یا زن‌گرایی، به‌منزله حرکت و جنبشی اجتماعی، امروزه اذهان بسیاری را به خود مشغول ساخته است و، در عرصه‌های اجتماعی، اعتقادات و باورهای رایج دینی و فرهنگی جامعه و، در حوزه اندیشه، آرای اندیشمندان مسلمان را به چالش کشیده است. با توجه به تعابیر تشکیل‌دهنده اصطلاح «جنبش آزادی زنان» می‌توان دریافت که این عنوان بیش‌تر پدیده‌ای اجتماعی بوده است (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

طرفداران این نحله بر این باورند که زنان، به‌علت جنسیت، گرفتار تبعیض شده‌اند و نیازهای مشخصی دارند که ارضا نشده است و برای دستیابی به حقوق اولیه و نیازهای اساسی باید در نظام اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی تغییرهای بنیادی صورت گیرد (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۷)؛ جنبش و نظریه‌ای که گرچه از دامن تحولات خاص اجتماعی - سیاسی حاکم بر برخی جوامع اروپایی و امریکایی در قرن‌های نوزدهم و بیستم سربرآورد، اما پس از چندی، داعیه جهان‌شمولی به خود گرفت و شعارها و مطالبات خود را به تمامی زنان جهان تسری داد (رودگر و محبی، ۱۳۸۸: ۳۴).

در دهه‌های اخیر، اصطلاح فمینیسم اسلامی به ادبیات فمینیستی راه یافته است؛ البته طرح مباحث این‌چنینی در جهان اسلام از اواخر قرن نوزدهم و در پی نفوذ مدرنیته به کشورهای اسلامی صورت پذیرفته است (سرافراز، ۱۳۸۸: ۳۵). گروهی از زنان برای رسیدن به استقلال مطلق در برابر مردان و رسیدن به حقوقی مشابه و برابر با حقوق مردان، حرکت جدیدی آغاز کردند و برای برقراری سازگاری میان فرهنگ دینی و غربی، این جنبش‌های وارداتی را فمینیسم اسلامی نام نهادند و تلاش برای توجیه مبانی و حقوق اسلامی بر پایه فرهنگ غربی را در دستور کار خود قرار دادند (مستقیمی، ۱۳۸۸: ۳).

طرفداران این نظریه بر این باورند که می‌توان در چهارچوب ارزش‌های دینی (اسلامی) برابری و عدالت جنسی را میان زن و مرد اجرا کرد. با این حال، بی‌تردید فمینیسم اسلامی، مثل هر اصطلاح دیگری که پسوند اسلامی را یدک می‌کشد، درصدد برقراری آشتی میان مبانی فمینیسم غربی و ارزش‌های دینی است. به همین علت، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که اصولاً اسلام با «ایسم»های غربی، از جمله فمینیسم سازگاری

ندارد و از آن گذشته، مسئله برابری و عدالت جنسی امری نیست که از خلال متون اسلامی مشخص نباشد (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۰).

در ایران دوره پهلوی، از آن‌جا که نظام ارزشی و اجتماعی که دولت ترویج و تبلیغ می‌کرد بر اساس معیارهای غربی بود، به همین سبب، فمینیسم و گسترش آزادی‌های زنان به روش غربی رواج یافت. هواداران فمینیسم با هر نگرشی، با وجود اختلاف در برخی موارد، همه در این اصل یعنی دستیابی زنان به حقوق برابر با مردان در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی اتفاق نظر داشتند و با استفاده از وسایل و راه‌های گوناگون نظیر رادیو، تلویزیون، و روزنامه‌ها به انتشار افکار خود در ایران مبادرت می‌کردند (یزدانی و حسینی موردراز، ۱۳۸۸: ۲۶). ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، از تغییر و تحولات ناگهانی و چالش‌ها و بحران‌هایی متأثر است که فرایند توسعه و پیشرفت آن را به مخاطره انداخته است. زنان ایرانی، به‌منزله نیمی از نیروی انسانی جامعه، از یک‌سو، به علل تاریخی و ازسوی دیگر، ایجاد تحولات عمیق ساختاری در جامعه پس از انقلاب اسلامی، به‌علت نبود بسترهای لازم و پیش‌زمینه‌های ضروری، دچار آسیب‌های اجتماعی چشم‌گیر شده بودند. چالش‌های مربوط به گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن قبل از انقلاب اسلامی و نیز، تطبیق وضعیت از دوران مدرن به نظام مبتنی بر ارزش‌های دینی پس از انقلاب، بیش‌ترین سطح تحول و دگرگونی را در میان این بخش از جامعه ایجاد کرده است. ارتقای دانش و آگاهی زنان، به‌منزله نیمی از اعضای جامعه، از طریق افزایش امکان حضور در جامعه و محافل علمی و آموزشی، افزایش چشم‌گیر فعالیت‌های سازمان‌یافته، و ظهور جنبش‌های فکری و فرهنگی و اجتماعی در قالب تحقق شعار آزادی زنان بیش از پیش بر اهمیت موضوع می‌افزاید (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

ازسوی دیگر، دفاع از حقوق زنان، مثل بسیاری از مفاهیم ارزش‌مند و انسانی دیگر، امروزه بیش از پیش دست‌مایه رویکردهای افراطی گروه‌هایی قرار گرفته است که بدون شناخت ماهیت انسانی زن و حقوق وی در مقام دفاع از حقوق زنان قرار گرفته‌اند (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۶). در این میان، دانشگاه به‌منزله مبدأ بسیاری از تحولات در جامعه و بستر شکل‌گیری بسیاری از تفکرات در حوزه مسائل مربوط به زنان مطرح است و آشنایی با تفکرات دانشجویان امروز، که خانواده‌های فردا را شکل می‌دهند، در این زمینه امری ضروری است؛ چراکه دگرگونی‌های خانواده در حکم کوچک‌ترین واحد بنیادی جامعه در دیگر بخش‌های نظام اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد (عنایت و موحد، ۱۳۸۳: ۱۵۴). این

تفکرات زمینه‌ساز بسیاری تغییرات و طرح بسیاری از مسائل در آینده است. بر اساس نتایج تحقیقی در دانشگاه‌های ایران و به‌طور خاص، دانشگاه‌های دولتی و آزاد تهران در ۱۳۸۶، فمینیسم جریانی رو به رشد در دانشگاه‌هاست (سایت جامعه خبری تحلیلی الف، ۱۳۸۶). این مقاله ضمن توجه به پیامدهای گرایش به پدیده فمینیسم اسلامی، درصدد است وضعیت گرایش دانشجویان دختر به آن را ارزیابی و مسئولان فرهنگی کشور را از وضعیت وقوع آن میان دانشجویان آگاه کند.

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲ فمینیسم و دیدگاه‌های فمینیستی

«فمینیسم» در اصل واژه‌ای فرانسوی است که از ریشه لاتینی *femina* به معنای «زن» اخذ شده است. حالت وصفی این واژه در زبان انگلیسی و در زبان فرانسه *feminin* است که از کلمه لاتینی *femininus* به معنای «زنانه» گرفته شده است. در زبان فارسی، «طرف‌داری از حقوق زن»، «جنش آزادی زنان»، «زن‌باوری»، «زن‌آزادخواهی»، و مانند آن معادل‌هایی‌اند که برای واژه فمینیسم عرضه شده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱/۱). فرهنگ لغت انگلیسی وبستر (*Webster*)، فمینیسم را این‌گونه تعریف می‌کند: «طرز تفکری که حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و مردان را مساوی دانسته و نهضتی که برای تحقق چنین آرمانی تلاش می‌کند». فرهنگ لغت حییم نیز این واژه را «عقیده به برابری زن و مرد و طرف‌داری از زنان» معنی کرده است (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۳).

فمینیسم آموزه‌ای است که تمامی تفاسیر و گونه‌های آن بر این باور است که زنان به‌سبب جنسیت‌شان گرفتار تبعیض‌اند؛ یعنی این‌که مردان به اشکال گوناگون بر زنان تسلط پیدا کرده‌اند و در نتیجه لازم است برای تغییر این وضعیت اقدامی از سوی زنان صورت گیرد (جمشیدی و زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۱).

انشعابات و جریانات فمینیستی معمولاً به نام مکاتبی شناخته می‌شوند که به آن‌ها وابستگی عقیدتی دارند. یکی از خاستگاه‌های معرفت‌شناسی اغلب تفکرات فمینیستی تفکیک میان جهان معرفت و دانش مردانه و زنانه است. فمینیست‌ها با پذیرفتن این اصل، به نقد بیش‌تر دانش‌ها و حتی معرفت‌شناسی‌های معاصر پرداخته‌اند و بر آن‌اند سرشت معرفتی بر اساس رویکرد مردانه پایه‌ریزی شده است (مستقیمی، ۱۳۸۸: ۲). ریتزر (*G. Ritzer*) بر

مبنای پاسخ‌هایی که به پرسش چگونگی تحول وضعیت زنان داده می‌شود، نظریه‌های بنیادی فمینیستی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. نظریه‌های تفاوت جنسیتی: این نظریه‌ها بر این باورند که، جایگاه و تجربه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت تفاوت دارد. مضمون اصلی این نظریه‌ها این است که زنان از ارزش‌ها، داوری ارزشی، انگیزه‌ها، سود، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی، و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی بینش و برداشت متفاوتی از مردان دارند.

۲. نظریه‌های نابرابری جنسیتی: بر اساس این نظریه‌ها، جایگاه زنان در بیش‌تر موقعیت‌ها نه تنها متفاوت با جایگاه مردان، که از آن کم‌تر و با آن نابرابر است و این نابرابری‌ها از سازمان جامعه سرچشمه می‌گیرد، نه از تفاوت زیستی و شخصیتی.

۳. نظریه‌های ستم‌گری جنسیتی: در این نظریه‌ها با مفروض‌انگاشتن ساختار پدرسالاری در جامعه، موقعیت زنان بر حسب رابطه قدرت مستقیم میان مردان و زنان به گونه‌ای تبیین می‌شود که زنان در قید و بند، تابعیت، سوءاستفاده، و بدرفتاری مردان قرار دارند (عطارزاده و مصفا، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

در جهان غرب، تاریخ رسمی شروع فمینیسم با آثاری که در اعتراض به موقعیت زنان منتشر شده‌اند مشخص می‌شود. چنین آثاری نخستین‌بار در دهه ۱۶۱۰ منتشر شدند. طرح‌ریزی برابری زن و مرد به قرن هفدهم بازمی‌گردد. برخی، نخستین فمینیست را «آن براداستریت» (A. Bradstreet) می‌دانند و برخی نیز، سابقه این نهضت را به انقلاب ۱۶۸۹ انگلیس بازمی‌گردانند. فمینیسم در قرن‌های نوزدهم و بیستم آشکارا وجهه سیاسی و اجتماعی پیدا کرد. رساله «جان استوارت میل» (J. Stuart Mill) به نام *انقیاد زنان*، که در ۱۸۶۵ منتشر شد، مهم‌ترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود. در این کتاب، از موقعیت زن‌ستیزی جامعه و متفکران هم‌عصر خود انتقاد می‌کند. از نظر تاریخی، تکامل جنبش فمینیسم به سه مرحله زمانی بازمی‌گردد. مرحله اول (۱۸۵۰-۱۹۲۰) موج اول یا دست‌یابی به حق رأی نامیده می‌شود. آغاز موج اول فمینیسم را به کتاب *اثبات حقوق زن* اثر «ماری ولستون‌کرافت» (M. Wollstonecraft) نسبت می‌دهند. به نظر او آزادی و پیشرفت حق زنان است؛ زیرا آنان با برخورداری از حق تحصیل قادر به اندیشیدن می‌شوند. در ۱۹۲۰-۱۹۵۰، پیدایش جنبش‌های اقتدارگرا، از جمله فاشیسم و نازیسم، مهم‌ترین عواملی بودند که جنبش فمینیسم را مهار کردند. بازگشت زنان به کارهای خانه،

تربیت فرزندان، و ایفای نقش هرچه بهتر مادری و همسری از مهم‌ترین شعارهای جنبش‌های اقتدارگرا بود (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۹). دومین موج فمینیسم از حدود ۱۹۲۰ شروع و تا سال ۱۹۸۰ ادامه یافت. در این موج، دو واژه جنس (sex) و جنسیت (gender) کاملاً از هم جدا و منفک شد؛ چراکه تا قبل از این تاریخ، دو واژه جنس و جنسیت به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شد و مرز مشخصی وجود نداشت. در این موج، جنسیت چیزی بود که بر اساس فرهنگ شکل می‌گرفت (پیشگاهی‌فرد و قدسی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). از اوایل دهه ۱۹۹۰، جهان غرب به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده رویکردی دوباره داشته است. سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۴ را با عنوان «سال خانواده» اعلام کرد. فمینیست‌های جدید در دهه‌های اخیر سعی می‌کنند با ظاهری زنانه و رفتاری ظریف تمایز خود را از مردان به نمایش بگذارند. در موج سوم، که تا امروز ادامه دارد، هم نگرش‌های فمینیست‌ها در برابر موج دوم تعدیل شد و هم تعدد انشعاب در نگرش فمینیستی رخ داد (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۲).

۲.۲ انواع گرایش‌های فمینیستی در دوران معاصر

مکاتب گوناگون، منطبق با تنوع دیدگاه‌هایی که به مسئله فمینیسم وجود دارد، هریک از منظر اعتقادی خود بدان نگریسته‌اند. برخی از این مکاتب عبارت‌اند از:

۱. فمینیسم لیبرال (liberal feminism)؛
۲. فمینیسم مارکسیست (Marxist feminism)؛
۳. فمینیسم رادیکال (radical feminism)؛
۴. فمینیسم سوسیالیست (socialist feminism)؛
۵. فمینیسم پست‌مدرن (postmodern feminism)؛
۶. فمینیسم روان‌کاوانه (psychoanalytic feminism)؛
۷. فمینیسم اسلامی: موضوع اصلی این پژوهش است که ادامه بحث بر آن استوار است.

۳. فمینیسم اسلامی

طرح مباحث فمینیستی در جهان اسلام از اواخر قرن نوزدهم و در پی نفوذ فرهنگ مدرنیته در کشورهای اسلامی صورت گرفت، اما تبدیل مباحث زنان به جریانی خاص، که نگاه

خود را از اصلاحات موردی به گسترش برابری در عرصه‌های گوناگون و به نقد فرهنگ اسلامی از درون و بر اساس فرهنگ مدرن معطوف کرده است، به دوران اوج اسلام‌گرایی در خاورمیانه از یک‌سو، و رواج دیدگاه متفاوت در اندیشه فمینیستی از سوی دیگر، بازمی‌گردد (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۹).

فمینیسم اسلامی معمولاً مباحث خود را بر نسیت فرهنگی استوار می‌کند. بدین معنا که هر جامعه‌ای برای حل مسائل خود، پاسخی بومی دارد که باید در فضای فرهنگی خود قضاوت شود. طرف‌داران آن، هم‌چون بسیاری از گروه‌های زن‌گرا، مردسالاری را مسئله اصلی زنان در خانواده و اجتماع می‌دانند و به سمت آرمان‌های تساوی‌طلبانه پیش می‌روند و از تفاوت‌های زن و مرد مسلمان در احکام و قوانین انتقاد می‌کنند. تلاش آن‌ها به ارائه برداشت‌های جدید از آیات قرآنی و قرائتی از دین معطوف است که به الگوی شناخته‌شده جهانی نزدیک باشد (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۷).

سابقه تاریخی نهضت برابری‌طلبی زنان، به صورت منسجم و نام و نشان‌دار، بیش از ۱۵۰ سال است، اما از اواخر قرن نوزدهم بود که نویسندگان مسلمان آشنا به غرب اندیشه‌های زن‌گرایانه غربی را، در قالب آثار مکتوب، به کشورهای اسلامی وارد کردند. شاید کشور مصر جزو اولین کشورهای اسلامی باشد که اندیشه‌های فمینیستی به آن راه یافته است. مهم‌ترین آثار زن‌پژوهی این دوران، *تحریر المرأة و المرأة الجديدة* بود که در واپسین روزهای قرن نوزدهم و طلیعه قرن بیستم قاسم امین، نویسنده مصری، منتشر کرد. این نویسنده کوشیده است بر اساس دیدگاه تجددگرایانه به تفسیر و تأویل آموزه‌های دینی بپردازد. امروزه نیز، فمینیست‌های بسیاری، در کشورهای اسلامی، بخش مهمی از تلاش خود را صرف مبارزه درون‌دینی برای حاکمیت نگاه زن‌گرایانه می‌کنند که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان فاطمه مرنیسی (مراکش)، رفعت حسن (پاکستان)، عزیزه الحبری (لبنان)، فاطمه احمد ابراهیم (سودان)، و نوال السعداوی (مصر) را نام برد (متمسک، ۱۳۹۰).

در ایران نیز، با تهاجم فرهنگ غرب به جامعه در آستانه انقلاب مشروطه، وضعیت زنان هم‌پای دیگر گروه‌های اجتماعی تغییر کرد. از این رو، مشروطیت را باید نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی ایران دانست. پیروی زنان روشن‌فکر ایرانی از زنان متجدد غرب در آغاز فقط به تشکیل مدرسه‌های دخترانه به سبک جدید، تشکیل انجمن‌های زنان، انتشار روزنامه، و مسائلی از این قبیل منحصر می‌شد. با ظهور سلسله پهلوی، فصل جدیدی در تاریخ ایران گشوده شد و غرب‌زدگی و بی‌هویتی چهره پنهان خود را آشکار ساخت.

کشف حجاب در ۱۳۱۷ نقطه عطفی است که در شکل‌گیری برداشت‌های منفی در ذهنیت جامعه مسلمان ایرانی اثر بسزایی داشت. حرکت‌های اجتماعی زنان ایران، حتی چهل سال بعد از آن نیز، متأثر از الگوی غربی ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب حرکت‌های فمینیستی چند دوره را پشت سر گذاشت. دوره اول، (۱۳۵۷-۱۳۶۱)، دوره رکود این جنبش است. دوره دوم، (۱۳۶۱-۱۳۶۷)، دوران شکل‌گیری جریان فمینیستی در ایران شمرده می‌شود. دوره سوم از سال ۱۳۶۷ آغاز می‌شود. فضای باز فرهنگی که طرح دیدگاه‌های مخالف را امکان‌پذیر می‌کرد، بهترین زمینه را برای رشد جریان‌های فمینیستی فراهم آورد. از جمله نهادهایی که در خارج از کشور در ۱۳۶۷ تشکیل شد «بنیاد پژوهش‌های زنان ایرانی» است. این بنیاد، با برگزاری سمینارهای سالیانه، از طرفداران فمینیست در داخل کشور نیز دعوت می‌کرد. از ایران نیز شهلا لاهیجی، سیدمحسن سعیدزاده، و شیرین عبادی در این سمینار شرکت کردند. در سال‌های اخیر، برخی ضد انقلاب‌های فمینیست خارج به درج مقاله‌هایی در نشریه‌های فمینیستی داخل کشور پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به نیره توحیدی و حامد شهدادیان در ماهنامه *زنان* و ناهید کشاورز در ماهنامه *توسعه* اشاره کرد. دوره چهارم از دوم خرداد ۱۳۷۶ و با تحولاتی که در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور رخ داد شروع شد. در این دوره، بسیاری از مجله‌ها و روزنامه‌ها، با درج مقاله‌هایی به نقد دیدگاه‌های اسلامی در حوزه زن و اشاعه افکار فمینیستی پرداختند (رضوانی، ۱۳۸۵).

شاخصه اصلی تفکرات این گروه‌ها در محورهای ذیل خلاصه می‌شود:

۱.۳ جدایی میان دین‌داری و دین‌مداری

آنان به‌صراحت بر این باورند که دین بیان‌کننده رابطه خالق و مخلوق است و نباید حوزه دخالت دین را به مسائل اجتماعی و تنظیم قوانین سرایت داد. حکومت نه تنها نباید تحت نظر هیچ دین و مذهبی باشد، بلکه باید شهروندان را از دخالت دادن گرایش‌های مذهبی در حوزه مسائل سیاسی پرهیز داد.

۲.۳ بی‌ثباتی احکام دینی

آنها وجود احکام ثابت در دین را انکار می‌کنند؛ زیرا روش جهان‌شمول و همگانی، بدون تأثیرپذیری از شرایط خاص اجتماعی و تاریخی، امکان‌پذیر نیست. از نگاه آنان، اعتقاد به

جدایی دین از حوزه اجتماعی در رسیدن به آرمان‌های فمینیسم اسلامی لازم و ملزوم یکدیگرند. برخی از طرفداران این دیدگاه اجتهاد فقهی را روشی ناکارآمد، و اجتهاد مدرن و سازگار با پیشرفت‌های جهان غرب را جانشینی اجتناب‌ناپذیر برای دفاع از حقوق زنان معرفی کرده‌اند (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۱۲).

۳.۳ نگاه منفی به نقش زنان در خانواده

اگرچه فمینیسم اسلامی با انتقاد از فمینیسم غربی به‌ظاهر به اهمیت جایگاه و نقش زن در خانواده اشاره می‌کند، ولی درعین حال، خواهان برابری نقش‌ها، مشارکت مردان در فعالیت‌های خانگی، و نیز نفی مدیریت مرد در خانه است (رضوانی، ۱۳۸۵).

۴.۳ تأکید بر تشابه و تساوی حقوق زن و مرد

برخی از طرفداران این گروه به تفاوت میان زن و مرد باور دارند، اما از تأثیر این تفاوت‌ها در تشریح و قانون‌گذاری انتقاد می‌کنند. درواقع، تفاوت تکوینی را پذیرفته‌اند، اما نیاز به تساوی حقوق را منکر نشده‌اند (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۱۳).

۴. پیشینه تحقیق

در ادامه، به مرور برخی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فمینیسم در ایران و جهان پرداخته شده است. نیلچی‌زاده در مقاله خود با عنوان «کنکاشی در کلام امام (قدس سره) بر ارتجاع فمینیسم»، با ذکر پیشینه‌ای از فمینیسم غربی و اسلامی، ادعاهای آنان را مبتنی بر تشابه حقوق زن و مرد برشمرده و در چهارچوب کتاب نظام حقوق زن در اسلام شهید مطهری، به پاسخ‌گویی می‌پردازد (نیلچی‌زاده، ۱۳۷۸). سیدابراهیم حسینی در مقاله‌ای با عنوان «فمینیسم علیه ایران» به انتقاد از محوری‌ترین آرمان‌های فمینیستی، یعنی یکنواختی کامل در حقوق زن و مرد، می‌پردازد و آن را با دیدگاه قرآن مقایسه می‌کند و هم‌چنین، به بررسی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های فمینیست‌ها، یعنی دگرگونی ساختار خانواده، می‌پردازد (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴۷-۱۵۰). حسین بشیریه در کتاب خود، نظریه‌های فرهنگی در فمینیسم، ظهور فمینیسم را چشم‌انداز تازه‌ای از مطالعات فرهنگی می‌داند و با شرح انواع اصلی فمینیسم آرا و دیدگاه‌های آنان را نقد می‌کند و با پرداختن به دو مفهوم «برابری» و «تفاوت» اساس مشاجرات بر سر معنای فمینیسم را ماهیت برابری

و تفاوت ذکر می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۵۲). محمدمهدی بهداروند در مقاله خود، با عنوان «نظریه‌های فمینیستی در ایران و جهان»، تصویری اجمالی از وضعیت فمینیسم ایران و جهان ارائه می‌دهد و به بررسی تاریخچه فمینیسم می‌پردازد. او مبنای نظریه فمینیستی را دیدگاهی اومانستی می‌داند و طرفداران فمینیسم در ایران را در دو گروه غرب‌گرا و مذهبی جای می‌دهد و فمینیسم‌های مذهبی را، به لحاظ دیدگاه و خط مشی، به رادیکال میانه‌رو و محافظه‌کار تقسیم می‌کند (بهداروند، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۵). سیدحسین نصر در مقاله خود به دفاع از اصول رفتاری اسلام با زن می‌پردازد و بهترین راه حل برای رفع تبعیض حقوق زنان را فمینیسم اسلامی می‌داند نه فمینیسم غربی (نصر، ۱۳۸۴: ۳۸۳-۳۹۹). غزاله دولتی نیز به نحوه تأثیر فرایند سیاسی در شکل‌گیری نهضت فمینیسم و فعالیت سیاسی فمینیسم‌ها پرداخته است و از نظریات و فعالیت‌های فمینیستی روندی تاریخی عرضه کرده است (دولتی، ۱۳۸۴: ۲۳-۴۹). در پژوهشی که با عنوان «رابطه بین ماهیت فمینیستی و سبک‌های رهبری مدیران زن در ترکیه» در سال ۲۰۰۸ انجام شد، تأثیر گرایش‌های فمینیستی در جامعه زنان مدیر کشور ترکیه در سبک رهبری‌شان بررسی شد. نتایج این پژوهش نشان داد که رویکرد فمینیستی که مدیران زن اتخاذ کرده بودند روی سبک‌های گوناگون رهبری تأثیرگذار بود و این رویکرد باعث بهبود روابط میان تیم‌های کاری شده است (Altintas and Altintas, 2008). در همین سال، گالانت مقاله‌ای با عنوان «کاربرد و نقش فمینیسم در جهان عرب» با هدف بررسی میزان تأثیر فمینیست در جامعه عرب بر روی آزادی زنان منتشر کرد. این مقاله، که از نوع مقالات مروری در حوزه فمینیسم است، درصدد تعیین بهترین شکل از فمینیست برای جامعه عرب است. نتایج تحقیق بیان‌کننده این مطلب است که زنان عرب با به‌چالش کشیدن تدریجی مردسالاری قادر به ایجاد جنبشی آزادی‌بخش و بادوام‌اند (Gallant, 2008). جورج ریترز در کتاب خود، نظریه فمینیستی معاصر، ضمن نگاهی کوتاه به تاریخ اندیشه فمینیسم، در مورد نظریات فمینیستی شرحی بیان می‌کند و در بخش اصلی این کتاب درباره مضامین عمده‌ای که در نظریه جامعه‌شناختی فمینیستی معاصر بررسی شده توضیحاتی می‌دهد (ریترز، ۱۳۷۴).

در مجموعه مطالعات انجام‌شده در حوزه فمینیسم اسلامی، نمونه‌ای مشابه این پژوهش، با هدف ارزیابی میزان گرایش به فمینیسم اسلامی، که به صورتی ساختارمند و با بهره‌گیری از فنون آماری به بررسی این موضوع پردازد مشاهده نشده است.

۵. روش تحقیق

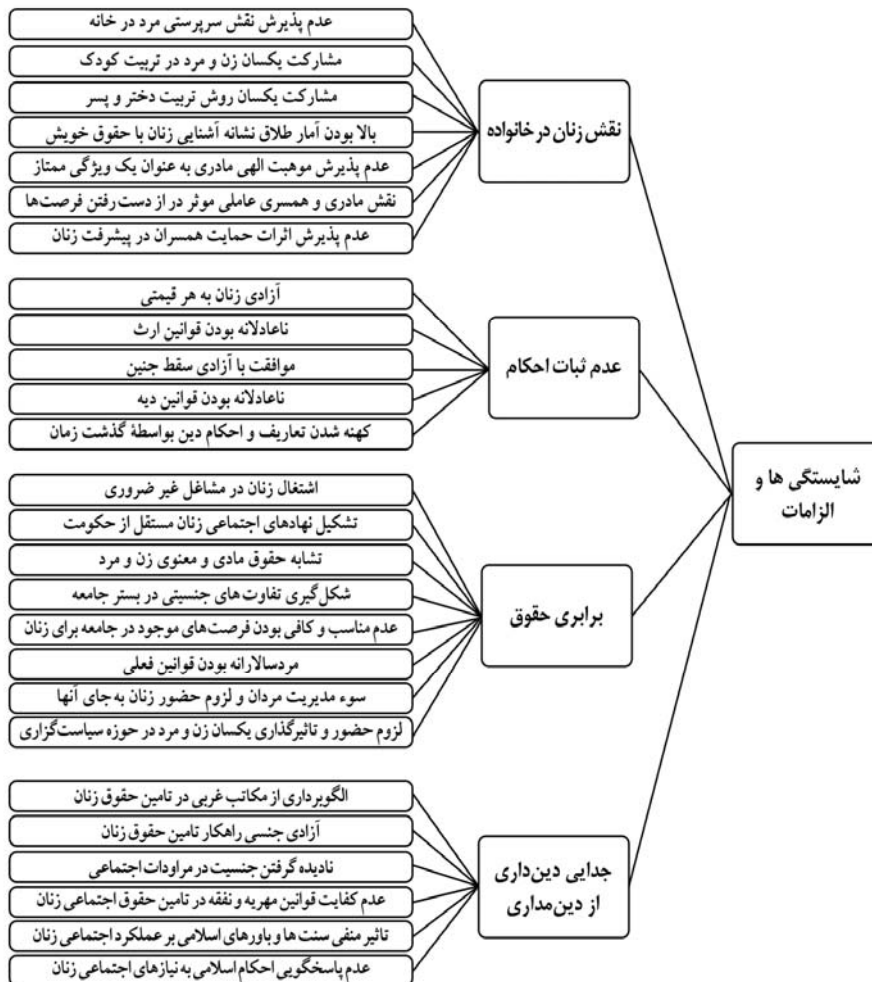
این پژوهش مطالعه‌ای از نوع بررسی توصیفی - تحلیلی است که به روشی پیمایشی با هدف بررسی میزان گرایش دانشجویان دختر بدان انجام شده است.

جمعیت مذکور بالغ بر ۹۰۷ دانشجوی دختر است که در مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی یزد در ۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بوده‌اند. به کارگیری روابط سنجش حجم نمونه نشان می‌دهد پژوهش با حجم نمونه‌ای معادل ۲۷۰ نفر مواجه است. از حجم نمونه محاسبه شده ۱۸۰ نفر همکاری و پرسش‌نامه پژوهش را تکمیل کرده‌اند (نرخ بازگشت پرسش‌نامه‌ها برابر با ۶۶٪ است).

روش جمع‌آوری اطلاعات در فاز نخست مطالعه کتاب‌خانه‌ای و سپس، استفاده از پرسش‌نامه کتبی بوده است. بر این اساس، در نتیجه مطالعات کتاب‌خانه‌ای ادبیات تحقیق شاخص‌های فمینیسم اسلامی شناسایی شده‌اند و، با استفاده از نمودار روابط خویشاوندی، آسیب‌ها دسته‌بندی و مدل مفهومی پژوهش استخراج شد. سپس، با استفاده از شاخص‌های شناسایی شده، پرسش‌نامه پژوهش طراحی شد. این پرسش‌نامه محقق‌ساخته در قالب ۲۶ سؤال، که دربرگیرنده چهار شاخص کلی فمینیسم اسلامی است، تدوین شد. در این مرحله، نخست ضمن مشورت و نظرسنجی از متخصصان و استادان دانشگاه روایی مدل بررسی شد. سپس، برای تعیین درجه پایایی پرسش‌نامه طراحی شده از ضریب آلفای کرونباخ (alpha Chronbach) استفاده شد و مقدار آن ۰/۸۱ برآورد شد که این مقدار نشان‌دهنده پایایی پرسش‌نامه است.

۶. مدل مفهومی پژوهش

همان‌گونه که در بخش قبل اشاره شد، در این پژوهش، شاخص‌ها و مؤلفه‌های پدیده فمینیسم اسلامی بر اساس واکاوی ادبیات تحقیق و دیدگاه‌های خبرگان شناسایی و با استفاده از نمودار خویشاوندی دسته‌بندی شد. در نتیجه مطالعات ادبیات تحقیق و بررسی روایی شاخص‌ها، درنهایت ۲۶ شاخص به‌منزله مؤلفه‌های فمینیسم اسلامی شناخته شد که این شاخص‌ها در چهار طبقه اصلی با عناوین «نقش زن در خانواده»، «بی‌ثباتی احکام»، «برابری حقوق»، و «جدایی دین‌داری از دین‌مداری» دسته‌بندی شد. نمودار ۱ شمای کلی مدل مفهومی فمینیسم اسلامی را به تصویر کشیده است.



نمودار ۱. مدل مفهومی فمینیسم اسلامی

۷. فرضیات و سؤالات پژوهش

با توجه به مدل مفهومی به‌دست‌آمده برای پژوهش و در راستای بهره‌برداری از آن و هم‌چنین، با هدف ارزیابی میزان گرایش دانشجویان دختر مذکور، برای هر یک از شاخص‌های اصلی و شاخص‌های فرعی فمینیسم اسلامی، پرسش‌ها و فرضیات زیر مطرح شد.

- فرضیه ۱: از میان ابعاد فمینیسم اسلامی، بعد جدایی میان دین‌داری و دین‌مداری در دانشجویان دختر مشاهده شده است و وجود معناداری دارد.
- فرضیه ۲: از میان ابعاد فمینیسم اسلامی، بعد تلاش برای برابری حقوق زن و مرد در دانشجویان دختر مشاهده شده است و وجود معناداری دارد.
- فرضیه ۳: از میان ابعاد فمینیسم اسلامی، بعد بی‌ثباتی در شریعت و احکام اسلامی در دانشجویان دختر مشاهده شده و وجود معناداری دارد.
- فرضیه ۴: از میان ابعاد فمینیسم اسلامی، بعد نگاه منفی به نقش زنان در خانواده در دانشجویان دختر مشاهده شده و وجود معناداری دارد.
- سؤال ۱: از میان ابعاد فرعی فمینیسم اسلامی، کدام ابعاد در بین دانشجویان دختر مشاهده می‌شود؟
- سؤال ۲: در صورت وجود بخشی از ابعاد فرعی فمینیسم اسلامی در دانشجویان دختر، ترتیب این ابعاد از حیث میزان شدت به چه شکل است؟

۸. یافته‌ها و نتایج تحقیق

در این قسمت، با بهره‌گیری از جدول‌های ۱ تا ۴، نتایج پژوهش ارائه شده است. برای این منظور، نخست فرضیات مطرح شده آزموده شده است. سپس، به سؤالات پژوهش پاسخ داده شده است. برای آزمون فرضیات ۱ تا ۴، از آزمون میانگین یک‌طرفه تی - استیودنت استفاده شده است. نتایج این آزمون به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. نتایج بررسی فرضیات ۱ تا ۴

آزمون تی - استیودنت						
فرضیات	فراوانی	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	حد بالا	حد پایین	تصمیم‌گیری
فرضیه ۱	۱۸۰	۱۰/۳۰۱	۰/۰۰۰	۰/۵۴۸۱	۰/۳۷۱۹	تأیید فرضیه
فرضیه ۲	۱۸۰	-۸/۴۰۵	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۰۵	-۰/۵۶۵۶	رد فرضیه
فرضیه ۳	۱۸۰	-۱۰/۸	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۷۱	-۰/۵۱۶۸	رد فرضیه
فرضیه ۴	۱۸۰	-۳/۳۸۹	۰/۰۰۱	-۰/۰۸۲۱	-۰/۳۱۰۸	رد فرضیه

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از میان چهار فرضیه تحقیق، فرضیه ۱ تأیید شد، اما فرضیات ۲، ۳، و ۴ رد شد. به عبارت دیگر، دانشجویان دختر مؤسسه آموزش عالی

جهاد دانشگاهی به برابری حقوق زن و مرد (تساوی و تشابه حقوق) قائل‌اند، اما نگاه آن‌ها در مورد سه شاخص فمینیستی دیگر (فرضیات ۲، ۳، و ۴)، نگاهی منفی است یا دست‌کم ادعا می‌شود اندازه معنادار در این گرایش‌ها مشاهده نمی‌شود. پس از بررسی فرضیات، نوبت به بررسی و پاسخ‌گویی سؤالات پژوهش می‌رسد. درباره سؤال اول، که با هدف شناسایی ابعاد فرعی فمینیسم اسلامی در دختران دانشجو مطرح شد، با توجه به گسسته‌بودن طیف استفاده‌شده در پرسش‌نامه، از آزمون ناپارامتریک توزیع دوجمله‌ای یا همان آزمون بی‌نومیال برای پاسخ به این سؤال استفاده شد. نتایج این آزمون به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲. تحلیل وجود داشتن یا وجود نداشتن شاخص‌های فرعی فمینیسم اسلامی در میان دانشجویان دختر

ردیف	شاخص	درصد دیدگاه‌ها		تصمیم‌گیری	
		موافق	مخالف	آسیب‌دیدن	آسیب‌ندیدن
۱	نپذیرفتن نقش سرپرستی مرد در خانواده	۰/۱۹	۰/۸۱	*	
۲	مشارکت یکسان زن و مرد در تربیت کودک	۰/۸۹	۰/۱۱		*
۳	یکسان‌بودن روش تربیت دختر و پسر	۰/۳۷	۰/۶۳	*	
۴	بالا بودن آمار طلاق نشانه آشنایی زنان با حقوق خویش	۰/۱۷	۰/۸۳	*	
۵	نپذیرفتن موهبت الهی مادری در حکم ویژگی ممتاز	۰/۱۱	۰/۸۹	*	
۶	نقش مادری و همسری عاملی مؤثر در ازدست‌رفتن فرصت‌ها	۰/۲۴	۰/۷۶	*	
۷	نپذیرفتن اثرات حمایت همسران در پیشرفت زنان	۰/۱۵	۰/۸۵	*	
۸	آزادی زنان به هر قیمتی	۰/۱۳	۰/۸۷	*	
۹	ناعادلانه‌بودن قوانین ارث	۰/۵۶	۰/۴۴	*	
۱۰	موافقت با آزادی سقط جنین	۰/۴۶	۰/۵۴	*	
۱۱	ناعادلانه‌بودن قوانین دیه	۰/۳۳	۰/۶۷	*	

۱۲	کهنه‌شدن تعاریف و احکام دین به‌واسطه گذشت زمان	۰/۲۱	۰/۷۹	۰/۰۰۰	*
۱۳	اشتغال زنان در مشاغل غیر ضروری	۰/۶۳	۰/۳۷	۰/۰۰۱	*
۱۴	تشکیل نهادهای اجتماعی زنان مستقل از حکومت	۰/۵۱	۰/۴۹	۰/۹۴۱	*
۱۵	تشابه حقوق مادی و معنوی زن و مرد	۰/۶۱	۰/۳۹	۰/۰۰۶	*
۱۶	شکل‌گیری تفاوت‌های جنسیتی در بستر جامعه	۰/۳۴	۰/۶۶	۰/۰۰۰	*
۱۷	مناسب و کافی نبودن فرصت‌های موجود در جامعه برای زنان	۰/۵۸	۰/۴۲	۰/۰۳۰	*
۱۸	مردسالارانه بودن قوانین فعلی	۰/۳۷	۰/۶۳	۰/۰۰۱	*
۱۹	سوء مدیریت مردان و لزوم حضور زنان به جای آن‌ها	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۱۱۷	*
۲۰	لزوم حضور و تأثیرگذاری یک‌سان زن و مرد در حوزه سیاست‌گذاری	۰/۶۱	۰/۳۹	۰/۰۰۴	*
۲۱	الگوبرداری از مکاتب غربی در تأمین حقوق زنان	۰/۲۲	۰/۷۸	۰/۰۰۰	*
۲۲	آزادی جنسی راه‌کار تأمین حقوق زنان	۰/۰۷	۰/۹۳	۰/۰۰۰	*
۲۳	نادیده‌گرفتن جنسیت در مراودات اجتماعی	۰/۳۷	۰/۶۳	۰/۰۰۰	*
۲۴	بی‌کفایتی قوانین مهریه و نفقه در تأمین حقوق اجتماعی زنان	۰/۲۸	۰/۷۲	۰/۰۰۰	*
۲۵	تأثیر منفی سنت‌ها و باورهای اسلامی در عملکرد اجتماعی زنان	۰/۳۳	۰/۶۷	۰/۰۰۰	*
۲۶	پاسخ‌گونی‌بودن احکام اسلامی به نیازهای اجتماعی زنان	۰/۲۷	۰/۷۳	۰/۰۰۰	*

عبارت آسیب، در ستون مربوط به تصمیم‌گیری در جدول بالا، نشان‌دهنده این مطلب است که در هر یک از شاخص‌های فرعی که اختلاف میان درصد دیدگاه‌های موافق و مخالف به سمت دیدگاه موافق بیشتر باشد، به آن شاخص، گرایش وجود دارد و این به معنای احتمال وجود آسیب در میان دانشجویان است.

با توجه به داده‌های جدول ۲، پیداست از میان شاخص‌های فرعی ۲۶گانه، گرایش به پنج مورد میان دانشجویان دختر مشاهده می‌شود که از این پنج مورد، چهار شاخص از شاخص‌های بعد «برابری حقوق زن و مرد» بوده است و یک مورد از شاخص‌های بعد «نقش زنان در خانواده» (با توجه به نمودار ۱) است.

درباره پاسخ‌گویی به سؤال دوم که، با هدف رتبه‌بندی ابعاد فرعی فمینیسم اسلامی، در میان دانشجویان دختر از حیث میزان شدت مطرح شده است، نخست از آزمون کروسکال و الیس استفاده شد که در وهله اول بررسی می‌شود آیا میان ابعاد فرعی فمینیسم اسلامی اختلاف قابل رتبه‌بندی وجود دارد یا خیر، و در صورت تأیید اختلاف رتبه‌بندی شاخص‌ها صورت گیرد. نتایج اجرای آزمون برای بررسی معنی‌داری اختلاف و قابلیت رتبه‌بندی شاخص‌ها به شرح جدول ۳ است:

جدول ۳. بررسی وضعیت معنی‌داری اختلاف و قابلیت رتبه‌بندی ابعاد

هدف	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	تصمیم‌گیری
بررسی معنی‌داری اختلاف	۶۰/۸۶۷	۰/۰۰	پذیرش اختلاف

با توجه به نتایج این آزمون، معنی‌داری تفاوت میزان شدت شاخص‌های فرعی مشاهده شده در میان دانشجویان دختر تأیید شده است؛ لذا این شاخص‌ها قابلیت رتبه‌بندی دارند. پس از این مرحله، نوبت به رتبه‌بندی شاخص‌ها می‌رسد. مقادیر رتبه میانگین به دست آمده با اجرای آزمون کروسکال و الیس شاخص مناسبی برای این مهم است؛ لذا در این سطح، از خروجی جدول دیگر آزمون، که مقادیر رتبه میانگین هر شاخص را ارائه کرده، استفاده شده است و رتبه‌بندی انجام می‌شود. نتایج رتبه‌بندی شاخص‌ها به شرح جدول ۴ است:

جدول ۴. رتبه‌بندی ابعاد فرعی از حیث میزان شدت در دانشجویان دختر

رتبه	شاخص	رتبه میانگین	رتبه شاخص از حیث میزان شدت
۱	اشتغال زنان در مشاغل غیر ضروری	۴۳۲/۸۱	۳
۲	تشابه حقوق مادی و معنوی زن و مرد	۴۲۸/۵۱	۴
۳	مناسب و کافی نبودن فرصت‌ها در جامعه برای زنان	۳۸۳/۴۴	۵
۴	لزوم حضور و تأثیرگذاری یکسان زن و مرد در حوزه سیاست‌گذاری	۴۳۲/۹۹	۲
۵	مشارکت یکسان زن و مرد در تربیت فرزندان	۵۷۴/۷۴	۱

همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، بیش‌ترین شدت مربوط به ابعاد فرعی فمینیسم اسلامی گرایش دانشجویان دختر به «مشارکت یک‌سان زن و مرد در تربیت فرزندان» با رتبه میانگین ۵۷۴/۷۴ و کم‌ترین میزان شدت مربوط به شاخص «مناسب و کافی نبودن فرصت‌ها در جامعه برای زنان» با رتبه میانگین ۳۸۳/۴۴ است.

۹. نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، فمینیسم اسلامی خواهان استفاده از اسلام، به مثابه ابزاری برای گسترش تفکرات خود در بطن جامعه زنان مسلمان، است و می‌کوشد در چهارچوب آموزه‌های دینی به دفاع از حقوق زن و ارزش‌های مورد نظر دست یابد، اما تفسیر آن‌ها از آموزه‌های دینی تابع فلسفه مادی غرب است. پیروان این مسلک با تأکید بر چهار شاخصه اصلی یعنی «تفکیک میان دین‌داری و دین‌مداری»، «بی‌ثباتی در شریعت»، «انکار نقش زن در خانواده»، و «برابری حقوق زن و مرد» در تبیین اصول و احکام اسلامی کوشیده‌اند و با نگاه انتقادی به این اصول خواهان تحریف و تغییر آن‌اند.

در این پژوهش، با واکاوی در ادبیات تحقیق و نظر خبرگان، در مجموع، ۲۶ زیرمعیار برای این چهار معیار اصلی مدنظر فمینیست‌های مسلمان شناسایی و برای فهم بهتر موضوع دست‌یابی به اهداف پژوهش، مطابق نمودار ۱ دسته‌بندی شدند. سپس، فرضیات تحقیق آزموده و به سؤالات پاسخ داده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دانشجویان دختر مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی یزد از میان ابعاد چهارگانه فمینیسم اسلامی به بعد «برابری حقوق زن و مرد» گرایش دارند و دیدگاهشان در خصوص سه بعد دیگر منفی است. هم‌چنین، از میان شاخص‌های فرعی فمینیسم اسلامی، در مجموع، گرایش به پنج شاخص از ابعاد «برابری حقوق زن و مرد» و «نقش زنان در خانواده» دیده می‌شود. میان این پنج شاخص مشاهده‌شده، شاخص فرعی «مشارکت یک‌سان زن و مرد در تربیت فرزندان» با رتبه میانگین ۵۷۴/۷۴ بیش‌ترین میزان شدت را دارد و شاخص فرعی «مناسب و کافی نبودن فرصت‌ها در جامعه برای زنان» با رتبه میانگین ۳۸۳/۴۴ کم‌ترین میزان شدت در میان دانشجویان مذکور است.

با توجه به رد شدن فرضیه‌های مربوط به گرایش دانشجویان مطالعه‌شده، به دو شاخص اصلی فمینیسم اسلامی، یعنی «بی‌ثباتی در احکام دینی» و «اعتقاد به جدایی میان دین‌داری و دین‌مداری»، این نتیجه مهم را می‌گیریم که اسلام و شریعت جزو اولویت‌های زندگی

شخصی و مراودات اجتماعی بانوان مسلمان ایرانی قرار گرفته است و این نکته بیانگر این مطلب است که بانوان جامعه با اصل اسلام و احکام اسلام موافقاند و خود را ملزم به اطاعت از دستورات اسلام می‌دانند و سعادت و کمال خویش را از این طریق جست‌وجو می‌کنند. در مورد دو شاخص دیگر از شاخص‌های فمینیسم اسلامی، چنین اظهار می‌شود که افزایش روزافزون رسانه‌ها و شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای غربی و گسترش کاربرد این شبکه‌ها در جامعه رفته‌رفته باعث ورود برخی افکار و اعتقادات انحرافی در میان افراد جامعه، به‌ویژه زنان، شده است و، با گذشت زمان و تأثیرپذیری از این افکار، برخی پارادایم‌های ذهنی زنان تغییر کرده است. در یک کلام، فرهنگ جامعه ما از تهاجم فرهنگ بیگانه تأثیر پذیرفته است. برخی از آثار چنین تهاجمی از تأیید شاخص‌های فمینیستی بحث شده در این پژوهش مشاهده می‌شود. البته، جنس این شاخص‌ها از نوع هاله‌ای است که اصل مفهوم فمینیسم و فمینیسم اسلامی را تبیین نمی‌کند، بلکه ابعادی‌اند که در نتیجه استحاله فرهنگی در جامعه شکل گرفته‌اند؛ لذا به نظر می‌رسد لازم است به مسئله تفاوت‌ها میان زن و مرد در ابعاد گوناگون روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بیش از پیش پرداخته شود. با توجه به اهمیت مسئله حقوق زن و مرد و این‌که چهار شاخص از پنج شاخص فمینیستی تأییدشده در پژوهش، مربوط به بعد «برابری حقوق زن و مرد» است، لذا تبیین حقوق ویژه‌ای که اسلام برای زنان برشمرده است و روشن ساختن دیدگاه واقعی اسلام در محضر زنان جامعه امری لازم و ضروری است. اصلاح مبانی رسانه‌ای جامعه، اصلاح ابزارهای آموزشی در دانشگاه‌ها و مدارس، از جمله اصلاح متون درسی و غنی‌سازی این متون با آموزه‌های دین اسلام، و نیز توجه ویژه به مسائل و آموزش‌های پیش از ازدواج برای جوانان نمونه‌ای از اقداماتی است که مانع از بروز افکار انحرافی در جامعه می‌شود.

منابع

- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۴). «تأملی بر پیکره و پیامدهای فمینیسم اسلامی»، مجله رواق هنر و اندیشه، ش ۴۴.
- آفاجانی، نصرالله (۱۳۸۸). «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، س ۱۲، ش ۴۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگی در فمینیسم، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- بهداروند، محمدمهدی (۱۳۸۲). «نظریه‌های فمینیستی در جهان و ایران»، نشریه پیام زن، ش ۶.
- بهشتی، سعید و مریم احمدی‌نیا (۱۳۸۵). «تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی»، دوفصل‌نامه تربیت اسلامی، س ۲، ش ۳.
- پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۹۰). www.hawzah.net.

- پیشگاهی فرد، زهرا و امیر قدسی (۱۳۸۹). «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایران»، نشریه پژوهش زنان، دوره یکم، ش ۳.
- جمشیدی، محمدحسین و پیمان زنگنه (۱۳۸۸). «بررسی مقایسه‌ای دیدگاه جریان‌های اندیشه اسلامی معاصر و فمینیسم، در مورد نقش و جایگاه زنان»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۵، ش ۱۷.
- حسینی، سیدابراهیم (۱۳۷۹). «فمینیسم علیه زنان»، فصل‌نامه کتاب نقد، ش ۱۷.
- دولتی، غزاله (۱۳۸۴). «فمینیسم: فلسفه سیاسی و سیاست‌های استعماری علیه زنان»، نشریه بانوان شیعه، ش ۵.
- رضوانی، سلمان (۱۳۸۵). «فمینیسم و رسانه‌های تصویری»، تهران: دفتر عقل مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- رضوانی، محسن (۱۳۸۷). «فمینیسم ۲»، مجله معرفت، ش ۶۷.
- رودگر، نرجس و سیده‌فاطمه محبی (۱۳۸۸). «تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد فمینیسم»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ش ۲۱.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). «نظریه فمینیستی معاصر»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سایت جامعه خبری تحلیلی الف (۱۳۸۶). www.alef.ir.
- سرافراز، حسین (۱۳۸۸). «خوانشی از گفتمان فمینیسم اسلامی»، ماه‌نامه اطلاعات حکمت و معرفت، س ۴، ش ۳۷.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۴). «فمینیسم اسلامی»، ترجمه مصطفی شهرآیینی، نشریه یاد، ش ۷۵.
- عطارزاده، محبتی و نسرین مصفا (۱۳۸۴). «جنش زنان ایران؛ از ایستایی تا پویایی»، نشریه مطالعات زنان، س ۳، ش ۷.
- عنایت، حلیمه و مجید موحد (۱۳۸۳). «زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن»، نشریه پژوهش زنان، دوره دوم، ش ۲.
- متمسک، رضا (۱۳۹۰). «فمینیسم اسلامی، واقعیت‌ها و چالش‌های آن»، در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان www.womenrc.com.
- مستقیم، مهدیه‌السادات (۱۳۸۸). «نقد نابرابرنگاری افراطی جنسیتی در معرفت‌شناسی فمینیستی (با تأکید بر رویکرد قرآنی)»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۲، ش ۴۶.
- نیلچی‌زاده، فروغ (۱۳۷۸). «کنکاشی در کلام امام قدس سره بر ارتجاع فمینیسم»، فصل‌نامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان، ش ۵.
- یزدانی عنایت‌الله و سیدمحمد حسینی موردراز (۱۳۸۸). «فمینیسم و انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۴.

Altintas, Fusun Çinar and Murat Hakan Altintas (2008). 'The Relationship between Feminist/Womanist Identity and Leadership Styles of Women Managers in Turkey', *Gender in Management, An International Journal*, Vol. 23, No. 3.

Gallant, Monica (2008). 'The Application of Feminism in the Arab World', *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, Vol. 1, No. 3.

